

رابطه بانکداری اسلامی با ثبات مالی

کامران سپهری



چشم انداز احتیاطی

بانکداری منطبق بر اصول شریعت، خدمات مالی و محصولات را بوجود می آورد و بکار می برد که منطبق بر اصول و قوانین اجرایی اسلامی می باشند و به ویژه دریافت و پرداخت بهره با نرخ ثابت و از پیش تعیین شده را ممنوع می دارد. این امر در عمل، یعنی اینکه بانک های اسلامی به جای وام، از توافق های مشارکت در سود و زیان استفاده می کنند، یعنی کالاها و خدماتی را خریداری می کنند و می فروشند، یا خدماتی را در برابر دریافت کارمزد، انجام می دهند. بدیهی است که در روش های مشارکت در سود و زیان، نرخ بازده دارایی های مالی مشخص و ثابت نیست. در قراردادهای خرید (توسط بانک) و فروش به مشتری نیز اندکی بر مبلغ خرید اضافه می شود تا هزینه ها جبران گردد و نرخ متداول آن هم نرخ پیشنهادی بین بانکی لندن است.^(۱) در یک بانک اسلامی، نرخ سود سپرده ها به طور مستقیم وابسته به کیفیت تصمیمات سرمایه گذاری های بانک می باشد. چنانچه بانک به واسطه سرمایه گذاری خود زیان ببیند، ممکن است سپرده گزار، تمام یا بخشی از سپرده خود را از دست بدهد. قرارداد مورد توافق میان سپرده گزار و بانک های اسلامی، هیچ نرخ سودی را از پیش تعیین نمی کند و فقط نسبت مشارکت در سود میان سپرده گزار و بانک را مشخص می سازد.

بیشتر متون مربوط به بانکداری اسلامی اشاره به این نکته دارند که ریسک بوجود آمده توسط بانک های اسلامی برای نظام بانکی، از راه های مختلفی با ریسک ناشی از بانک های سنتی فرق می کند. ریسک خاص بانکداری اسلامی، ناشی از پدیده خاص قراردادهای اسلامی، جنبه کلی حقوقی، مدیریت

تداوم بحران در بازارهای مالی جهانی، اهمیت ثبات مالی را برای توسعه اقتصادی نشان می دهد. از سوی دیگر، با آنکه بانکداری و تأمین مالی اسلامی تاکنون بر کنار از این نا آرامی بوده است، اما با توجه به رشد سریع این حرفه در سراسر جهان، بهتر است ببینیم که نقش بالقوه و سهم آن در هدایت بحران چگونه است. اقتصاددانانی^(۱) از دایره ثبات جهانی در صندوق بین المللی پول، درباره جنبه احتیاطی بانک های اسلامی و بانک های تجاری بررسی هایی کرده اند و چالش های فراروی بانکداری اسلامی را به شرح زیر مورد بحث قرار داده اند.

از ابتدای به وجود آمدن بانکداری اسلامی در حدود سه دهه قبل، تعداد و گستردگی نهادهای مالی اسلامی در سراسر جهان از رشد زیادی برخوردار بوده است و نهادهایی که اینگونه خدمات مالی را ارائه می کنند، سهم قابل توجه و رو به افزایشی از نظام مالی چندین کشور را به خود اختصاص داده اند. به طور مثال، تمام نظام بانکی ایران براساس اصول اسلامی می باشد. با آنکه بانک های اسلامی در خاورمیانه و آسیای جنوبی متمرکز هستند، ولی آنها به عنوان بازیگران خاصی که محصولات مالی خاص عرضه می کنند، در اروپا و آمریکا نیز حضور دارند. دارایی بانک های اسلامی و دارایی هایی که توسط آنها اداره می شود، در حال حاضر، بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار می باشد و طبق مطالعه جدید یک مؤسسه مشاوره ای مدیریتی، انتظار می رود که این رقم تا سال ۲۰۱۰، با رشد بیشتر بانک های اسلامی نسبت به متوسط رشد بخش بانکداری، به یک تریلیون دلار آمریکا برسد.

در حال حاضر، حرفه بانکداری اسلامی در میانه راه رشد خود قرار دارد و میانگین رشد سالانه آن در سال های اخیر به ۱۵ درصد رسیده است. علاوه بر رشد سریع تقاضا برای محصولات منطبق بر اصول شریعت توسط سرمایه گذاران خاورمیانه و دیگر کشورهای مسلمان، رشد تقاضای جهانی سرمایه گذاران نیز در رشد این پدیده نقش داشته است. علاوه بر رشد دامنه جغرافیایی تأمین مالی اسلامی، رشد و گسترش این پدیده بر دامنه وسیعی از فعالیت های مالی، از بانکداری خرده فروشی گرفته تا بیمه و سرمایه گذاری در بازار سرمایه نیز بسیار زیاد بوده است. ولی شاید بی سابقه ترین رشد آن ناشی از ارایه و رشد صکوک (قرضه اسلامی) باشد که متداول ترین اوراق بهادار تأمین مالی در این حرفه است. انتشار صکوک طی سه سال اخیر برای جوابگویی به رشد تقاضای سرمایه گذاری به روشی جدید، به شدت افزایش یافته است.

دارایی بانک های اسلامی و

دارایی هایی که توسط آنها اداره می شود، در حال

حاضر، بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار است که تا سال ۲۰۱۰ به یک تریلیون دلار می رسد.



و نقدینگی زیر ساخت مالی اسلامی می‌باشد. به طور مثال، مشارکت در سود و زیان سبب می‌شود که ریسک مستقیم اعتباری بانک‌ها به سپرده‌گذاران منتقل گردد، یعنی زیان حاصله بین بانک و سپرده‌گذاران تقسیم شود و در نتیجه، بانک کمتر با ورشکستگی مواجه گردد. ولی این روش، ریسک موجود در قسمت دارایی ترازنامه بانک را افزایش می‌دهد، زیرا بانک‌ها را در معرض ریسکی قرار می‌دهد که معمولاً متوجه سرمایه‌گذاران در سهام است، نه وام‌دهندگان. به علاوه، به واسطه انطباق بر قوانین شریعت، بانک‌های اسلامی کمتر می‌توانند از روش‌های جلوگیری از ریسک^(۳) (مانند مشتقات و سوپا) استفاده نمایند. به علاوه، بیشتر بانک‌های اسلامی در محیطی فعالیت نموده‌اند که بازار بین بانکی و بازار سرمایه وجود نداشته یا کمتر توسعه یافته بوده و اوراق بهادار دولتی و دسترسی به وام‌دهنده نهایی (بانک مرکزی) نیز مطرح نبوده است. به واسطه تحولات اخیر در ابزارهای بازار پول و روش‌های وام‌دهی نهایی اسلامی، و تعهد ضمنی برای تأمین نقدینگی جهت حمایت از بانک‌ها در شرایط استثنایی در اغلب کشورها، این تفاوت‌ها کاهش یافته است.

رویه‌مرفته، بانک‌های اسلامی به گونه‌ای کمتر از بانک‌های سنتی با ریسک مواجه هستند. به طور مثال، آنها می‌توانند تکانه منفی طرف دارایی (مانند بد شدن شرایط اقتصادی که سبب کاهش سود مشارکت می‌شود) را به سپرده‌گذاران انتقال دهند. ترتیب مشارکت در ریسک در طرف سپرده‌ها هم نوعی حمایت برای بانک بوجود می‌آورد (علاوه بر سرمایه به ثبت رسیده). همچنین می‌توان استدلال نمود که نیاز به تأمین سودی با ثبات و رقابتی برای سرمایه‌گذاران، مسوولیت سهامداران در برابر کوتاهی و غفلت یا عمل نامناسب (ریسک عملیاتی) و دسترسی سخت‌تر به نقدینگی، به بانک‌های اسلامی فشار وارد می‌کند تا محتاط‌تر باشند. به علاوه، چون سرمایه‌گذاران (سپرده‌گذاران) در ریسک شریک هستند (و معمولاً بیمه سپرده هم ندارند) لذا انگیزه بیشتری برای احتیاط بیشتر در مدیریت بانک دارند. بالأخره بانک‌های اسلامی سهم بیشتری از دارایی‌های خود را در حساب ذخایر احتیاطی نزد بانک مرکزی یا حساب مکاتبه‌ای^(۴) نزد سایر بانک‌ها نگهداری می‌کنند تا بانک‌های تجاری سنتی. بنابراین، هر چند که ممکن است سرمایه‌گذاری‌های اسلامی، پرخطرتر از سرمایه‌گذاری‌های سنتی باشند، اما از نظر ثبات مالی پرسش این می‌باشد که آیا این ریسک اضافی توسط ذخایر نگهداری شده به عنوان ضربه گیر خنثا می‌شود یا خیر؟ و آیا بانک‌های اسلامی با ثبات‌تر از بانک‌های سنتی هستند یا خیر؟ پاسخ این پرسش‌ها بستگی به اندازه نسبی ذخایر نگهداری شده دارد و ممکن است که اساساً از کشوری تا کشور دیگر و حتی از بانکی تا بانک دیگر متفاوت می‌باشد.

بانکداری اسلامی و ثبات مالی: چند شاهد عملی

متون توضیحی زیادی در زمینه تأمین مالی اسلامی

وجود دارند، ولی در مورد رابطه بانکداری اسلامی با ثبات مالی، یعنی جایی که رشد بانکداری اسلامی مورد توجه است، کار عملی چندانی وجود ندارد. تحقیق اخیر صندوق بین‌المللی پول تحت عنوان "بانک‌های اسلامی و ثبات مالی" تحلیلی کاربردی می‌باشد و ما با استفاده از داده‌های ۱۸ نظام بانکی دارای حضور عمده، سعی می‌کنیم تا این کمبود متون کاربردی را پر نماییم.

روشی که برای ارزیابی خوب بودن کار بانک‌ها به طور روزافزونی مورد استفاده قرار می‌گیرد، عبارت است از تحلیل به اصطلاح "امتیاز Z". این امتیاز، مقدار سرمایه، سودآوری و معیاری از مواجهه بانک با ریسک را در یک شاخص واحد ترکیب می‌نماید. تفسیر امتیاز Z روشن است: هر چه Z کمتر باشد، احتمال کمبود سرمایه بانک بیشتر خواهد شد.

مقاله مورد بحث سپس با تعریف بانک‌های بزرگ به عنوان بانک‌هایی که بیش از یک میلیارد دلار دارایی دارند و سایر بانک‌ها که بانک‌های کوچک هستند، نتایج زیر را به دست می‌دهد:

* بانک‌های اسلامی کوچک از نظر مالی، در مقایسه با بانک‌های کوچک و بزرگ سنتی قوی‌تر هستند (یعنی Z بزرگ‌تری دارند)؛

* بانک‌های بزرگ سنتی از نظر مالی، قوی‌تر از بانک‌های بزرگ اسلامی هستند؛

* بانک‌های اسلامی کوچک از نظر مالی، قوی‌تر از بانک‌های بزرگ اسلامی هستند (نمودار ستونی).

توضیح پسندیده تفاوت میان ثبات بالا در بانک‌های اسلامی کوچک و ثبات نسبتاً کم در بانک‌های بزرگ‌تر این است که با بزرگ شدن بانک‌های اسلامی، پایش ریسک اعتباری در آنها به طور قابل توجهی پیچیده‌تر می‌گردد. به طور مثال، روش‌های مشارکت در سود و زیان مور استفاده در بانک‌های اسلامی خیلی متنوع‌تر است و استاندارد سازی آن مشکل‌تر از وام در بانک‌های سنتی است. در نتیجه، با گسترش مقیاس فعالیت بانکی، پایش ریسک اعتباری آن نیز پیچیده‌تر می‌گردد. این امر

ممنوعیت دریافت و پرداخت بهره با نرخ ثابت و از پیش تعیین شده، در عمل بدان معنی است که بانک‌های اسلامی به جای اعطای وام، از توافق‌های مشارکت در سود و زیان استفاده می‌کنند، کالاها و خدماتی را خریداری می‌کنند و می‌فروشند، یا خدماتی را در برابر دریافت کارمزد انجام می‌دهند.

انتشار صکوک طی
سه سال اخیر برای
جوابگویی به رشد
تقاضای
سرمایه‌گذاری به
روش جدید، به شدت
افزایش یافته است.

حال، با توجه به نیاز بانک‌ها به بالا بردن توان مدیریت ریسک بانک‌ها جهت هماهنگی با طرح‌های بزرگ‌تر و پیچیده‌تر، چالش‌هایی آشکار می‌گردد. با وجود رشد سریع، مدل‌های کسب و کار و محصولات بانک‌های اسلامی هنوز یکنواخت است، در حالی که انطباق با قوانین شریعت بر ریسک‌های ناشی از شکل محصولات و کاربرد آنها می‌افزاید. توفیق بانکداری اسلامی در سال‌های اخیر سبب بوجود آمدن تعداد زیادی از بانک‌های اسلامی شده که همه آنها مدل کسب و کار مشابهی دارند. در این زمینه کمبود روش متداول اعطای وام مشاهده می‌شود و وجود نقدینگی زیاد سبب رضامندی بانک‌های اسلامی شده است. به علاوه، در حوزه‌های حقوقی مختلف، استانداردهای حسابداری متفاوتی وجود دارند. برای مواجه شدن با این ناهماهنگی و پیچیدگی قراردادهای موجود، ایجاد استانداردهای حقوقی یکنواخت، امری لازم است. همچنین، ایجاد نظام فناوری اطلاعاتی برای پایش فرایند اعطا و بازپرداخت تسهیلات از ابتدا تا انتها نیز از واجبات است. مدیریت ریسک نقدینگی بانک‌های اسلامی هم چالش

سبب بوجود آمدن مسایل بیشتری در زمینه روش‌های متفاوت انتخاب و خطر اخلاقی می‌گردد. توجه دیگر این است که بانک‌های کوچک‌تر بر سرمایه‌گذاری‌های کم‌خطر و درآمد کارمزد توجه بیشتری دارند، در حالی که بانک‌های بزرگ‌تر در پی کسب و کار مشارکت در سود و زیان هستند. همچنین دیده شد که افزایش حضور بانک‌های اسلامی در نظام مالی کشور، تأثیر قابل توجهی بر عملکرد خوب و معقول سایر بانک‌ها ندارد. این بدان معنی است که بانک‌های اسلامی و سنتی در یک نظام می‌توانند همزیستی داشته باشند و از طریق رقابت، با خطر "بیرون افتادن"^(۵) از فعالیت مقابله کنند. بدیهی است که این یافته‌ها در زمینه داده‌های کشورهای، احتیاط آمیز است، زیرا در اغلب موارد، بانک‌های اطلاعات بانک‌های سنتی و بانک‌های منطبق بر شریعت، کامل نیستند. به علاوه، توجه این تحقیق فقط متمرکز بر بانک‌هایی بود که کاملاً اسلامی بودند، نه شعب اسلامی بانک‌های سنتی. همچنین، محدودیت‌های آماری اجازه مقایسه کامل وضعیت قراردادهای مالی اسلامی را نمی‌داد، مثلاً تمایز



قابل شدن میان سرمایه‌گذاری‌های مشارکت در سود و زیان و سایر سرمایه‌گذاری‌ها. با این حال، نتایج اصلی بدست آمده به طور امیدوارکننده‌ای از نظر دامنه آزمون‌های حساسیت، مانند استفاده از معیارهای مختلف بررسی معقول و منطقی بودن عملکرد و روش‌های مختلف تخمین، قوی و محکم است. بدون تردید، یافته‌های این بررسی در مورد درستی و معقول بودن عملکرد مالی بانک‌های اسلامی کوچک، آرامش‌بخش است و در عین حال، از اهمیت توجه بیشتر ناظران در زمینه ریسک‌های بانک‌های اسلامی، به‌ویژه بانک‌های بزرگ، می‌کاهد.

پیشروی بانک‌های اسلامی و چالش‌هایش
تداوم رشد سریع تقاضا برای خدمات مالی اسلامی، به روشنی خبر خوبی برای بانک‌های اسلامی است. در عین



بزرگی است و به واسطه محدودیت ابزارهای بازار پول اسلامی و زیرساخت ضعیف نقدینگی، محدود است. در حال حاضر، بازار پول کوتاه مدت اسلامی (مثلاً کمتر از یک هفته) وجود ندارد، چه به پول محلی و چه به دلار، و هنوز بازارهای منطبق بر اصول شریعت بوجود نیامده‌اند. بازار پولی اسلامی با مدت طولانی تر که مبتنی بر مبادلات کالایی مرابحه‌ای می‌باشد (افزایش قیمت خرید و فروش)، در مواردی از کمبود واسطه‌های قابل اعتماد رنج می‌برد. بانک‌های اسلامی در برابر بانک‌های سنتی فاقد یک مزیت هستند، زیرا سپرده‌های یک شبه خود را بدون بهره به بانک مرکزی می‌سپارند. بدون تردید، فقدان نقدینگی و نبودن راه حلی دیگر، به همراه عدم مزیت رقابتی، مشکلی برای بانک‌های اسلامی محلی است و حتی می‌تواند بحران نقدینگی را بوجود آورد.

پیشروی بانک‌های اسلامی، راه حل‌ها و شانس‌ها

بدیهی است که مدیران ریسک و ناظران سعی دارند تا بر چالش‌های پیش گفته فایق آیند. در این رابطه برای توفیق بر کمبودهای بازار پول اسلامی، بسیاری از بانک‌های سرمایه‌گذاری به طراحی محصولات پیچیده پرداخته‌اند که بر شریعت اسلام انطباق دارد. باید دید که آیا این راه‌حل‌های جدید به صورتی گسترده در جامعه تأمین مالی اسلامی تحقق خواهند یافت، و تقاضای کافی برای ایجاد بازار پول اسلامی بوجود خواهد آمد؟

احتمالاً توسعه سریع این بانک‌ها ادامه خواهد یافت، کمابینه نهادهای مالی در کشورهای هم‌چون بحرین، امارات متحده عربی و مالزی به استفاده بیشتر از ابزارهای مالی ساختار بندی شده منطبق بر شریعت، هم در طرف دارایی و هم در طرف بدهی روی آورده‌اند. همچنین، مراکز مالی اعطای وام، مانند لندن، نیویورک و سنگاپور، در حال پیشرفت برای تأسیس بنیادهای حقوقی و احتیاطی برای استقرار تأمین مالی اسلامی در کنار نظام مالی سنتی هستند. بسیاری از بانک‌های بزرگ غربی هم از طریق باجه‌های اسلامی خود

به‌عنوان بازیگران پیشرو در زمینه ابداعات مالی از طریق ابزارهای منطبق بر شریعت ظاهر می‌شوند و مسلماً این فرایند می‌تواند بسیاری از محدودیت‌های موجود، همچون زیرساخت نقدینگی ضعیف را بر طرف سازد. بنابراین، انتظار می‌رود که بانک‌های سنتی بیشتری به ارایه محصولات اسلامی بپردازند، علت آن هم امکانات سود بیشتر و همچنین وجود نقدینگی فراوان، به‌ویژه در خاورمیانه است.

در این رابطه باید به ابداعات محصولات جدید برای متنوع‌سازی ریسک نیز اشاره کرد. با توجه به وجود تعداد زیاد بانک‌های اسلامی جدید در خاورمیانه و آسیا، متنوع‌سازی محصولات به بانک‌ها این امکان را می‌دهد تا ترکیب درستی از محصولات را به مشتریان حرفه‌ای تر ارایه نمایند. تعدادی از این بانک‌ها هم اکنون در حوزه‌های حقوقی مختلف مشغول کار هستند و این روند احتمالاً در آینده نزدیک با انسجام بیشتری ادامه خواهد داشت.

از نظر مقررات، هم‌هیأت خدمات مالی اسلامی^(۶) که سازمان استانداردسازی بین‌المللی به مرکزیت مالزی می‌باشد از طریق وضع مقررات استانداردتر در زمینه تقویت عملکرد معقول و ثبات خدمات مالی اسلامی، پیشرفت‌هایی را حاصل نموده است. استانداردهای احتیاطی مورد قبول در سطح بین‌المللی، به‌گونه‌ای توسط این هیأت انتخاب شده که تأمین مالی اسلامی را در نظام مالی سنتی منسجم‌تر می‌سازد. به طور مثال، قبول استانداردهای IFSB (چیزی شبیه مقررات بال II)، که ویژگی‌های تأمین مالی اسلامی را مورد توجه قرار می‌دهد، میدان فعالیت متعادل میان بانک‌های اسلامی و سنتی را تضمین می‌نماید.

از بحث فوق این نتیجه به دست می‌آید که هنوز چالش‌های بسیاری وجود دارند، ولی با توجه به تلاوم اصلاحات در روش‌های مدیریت ریسک و چارچوب احتیاطی بانکداری منطبق بر شریعت، این امید وجود دارد که هم رشد حرفه تأمین مالی اسلامی به طور مثبتی ادامه یابد و هم ثبات مالی و اقتصادی گسترده‌تر شود.

با بزرگ شدن
بانک‌های اسلامی،
پایش ریسک
اعتباری در آنها به
طور قابل توجهی
پیچیده‌تر می‌شود.



زیرنویس‌ها

- 1) Hesse Heiko, and Martin Cihak.
- 2) London Interbank Offered Rate (LIBOR).
- 3) Hedging.
- 4) Correspondent Accounts.
- 5) Crowding Out.
- 6) IFSB (Islamic Financial Services Board).